

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

بيع آلات قمار

بحث در موارد النوع الثاني؛ «ما يحرم لتحريم ما يقصد به» بود که یکی از آنها هياكل عبادات بود، که معلوم شد بيع هياكل عبادات به حرمت تکلیفیه و حرمت وضعیه حرام است. یکی دیگر از مواردی که بيع آنها حرام است؛ آلات قمار است. مرحوم شيخ (ره) در مکاسب فرموده‌اند «منها آلات القمار بانواعه بلا خلاف ظاهراً»، هر چیزی که عنوان آلت قمار دارد معامله روی آن حرام است به حرمت تکلیفیه و وضعیه. و بعد می‌فرمایند «و يدل عليه جميع ما تقدم في هياكل العبادة» تمام ادله‌ای که در بطلان و حرمت معامله هياكل عبادات مطرح بود، در اینجا جریان دارد، و می‌فرمایند ما آنجا بيع ماده را تقریباً جایز دانستیم اینجا هم می‌گوییم «و يقوى هنا أيضاً جواز بيع المادة قبل تغيير الهيئة».

بعد مراد از قمار را بیان کرده‌اند که مراد از قمار چیست؟ «ثم ان المراد بالقمار مطلق المراهنة بعوض فكل ما اعد لها بحيث لا يقصد منه على ما فيه من الخصوصية غيرها» قمار، مطلق مراهنه به عوض است، اگر در مسابقه‌ای و برد و باختی، عوضی در کار باشد این قمار است - که مرحوم شيخ (ره) يك معنای بسیار وسیعی برای قمار کردند، اینکه در آن حتماً از آلات قمار استفاده شود خصوصیتی ندارد -.

در مکاسب محرمة يك بحث مطرح می‌شود بعنوان آلات قمار و اینکه آیا خرید و فروش آلات قمار حرام است یا نه؟ و يك بحث این است که خود قمار یکی از محرمات است و بازی که عنوان قمار را دارد یکی از محرمات است - که شيخ (ره) آن را در النوع الرابع مطرح کرده است و آنجا باید تحقیق کنیم که قمار چیست و چرا خود قمار حرام است؟ و چه بازی عنوان قمار را دارد - اینجا فقط بحث این است که معامله با چیزی که عنوان آلات قمار را دارد حرام است، مثلاً در روایات، «شطرنج» را بعنوان یکی از آلات قمار مطرح کرده‌اند که معامله روی آن حرام و باطل است و تعابیر خیلی شدید و غلیظی راجع به این دارد. پس ما فعلاً می‌خواهیم از نظر فقهی بگوییم آنچه که عنوان آلت قمار را دارد؛ مثل شطرنج و نرد، معامله روی اینها حرام است هم حرمت تکلیفیه و هم حرمت وضعیه.

ادلة حرمت بيع آلات قمار

مهمترین دلیل این مسأله؛ برخی روایاتی است که وارد شده است. غیر از روایات، در این مسأله علاوه بر اجماع منقول به نقل استفاضه‌ای - یعنی چند نفر برای ما نقل اجماع کرده‌اند که از حد خبر واحد بالاتر و از حد خبر متواتر پایینتر است - اجماع محصل هم وجود دارد.

اقوال فقهاء

اکنون به برخی از عبارات فقهاء دقت کنید: در کتاب مقنعه چنین میفرماید: «و عمل الاصنام و الصلبان و التماثيل المجسمة و الشطرنج و النرد و ما أشبه ذلك حرام» ساختن بت، صلیب، تماثيل مجسمه، شطرنج، نرد و شبیه اینها حرام است، و اگر ساخته شده «بیعه و ابتیاعه حرام» میفرماید بیع و ابتیاع آن هم حرام – به حرمت تکلیفی و وضعی – است. سلار(ره) در کتاب مراسم میگوید «و عمل الملهی و التجارة فیها و عمل الاصنام و الصلبان... و الشطرنج و النرد و ما أشبه ذلك من آلات القمار حرام و بیعه و ابتیاعه حرام» ساختن يك وسیله که بعنوان وسیله لهو است و تجارت با اسباب ملاهی حرام است و خرید و فروش آن هم حرام است.

اصلاً در کلمات قدماء برای آلات قمار بیشتر مثال به نرد و شطرنج زده شده است. در کتاب نهایة چنین میفرماید: «و عمل الاصنام و الصلبان و التماثيل المجسمة و الصور و الشطرنج و سائر انواع القمار حتی لعب الصبيان بالجوز فالتجارة فیها و التصرف و التکسب بها حرام محظور» مرحوم شیخ(ره) در کتاب نهایة فرموده است که ساختن بت و صلیب و امثال اینها حرام است، منتها آنچه که اضافه است اینکه حتی اگر با گردو بخوانند بازی قماری انجام دهند آن هم همینطور است و بعد فرموده تجارت و تصرف در آن هم حرام و ممنوع است.

مرحوم محقق(ره) در کتاب شرایع میفرماید «ما یحرم لتحریم ما قصد به کآلات اللهو و آلات القمار کالنرد و الشطرنج و ما یفرض الی المساعد علی محرم کبیع السلاح لاعداء الدین» آنچه که بخاطر آنچه که مقصود از او است حرام است مثل آلات لهو و آلات قمار، بیع آنها حرام است.

صاحب جواهر(ره) – که کتاب جواهر شرح بر شرایع محقق(ره) است – فرموده «بلا خلاف اجدہ بل الاجماع بقسمیه علیہ و النصوص» هم اجماع منقول و هم محصل داریم، روایات هم داریم. صاحب ریاض(ره) میگوید «باجماعنا المستفیض النقل» اجماعی که به نقل استفاضه‌ای رسیده، بر مطلب قائم است. مرحوم نراقی(ره) در کتاب مستند میگوید «و نقل الاجماع کما قیل به مستفیض بل هو اجماع محقق». این عبارات بزرگان است.

فرمایش محقق خوئی (ره)

مرحوم آقای خوئی(ره) در کتاب مصباح الفقاهة فرموده‌اند مقصود از آلات قمار؛ آلاتی است که معدّ برای قمار است نه هر چیزی که با او قمار می‌شود. بعبارة اخرى فرموده‌اند هر چیزی که به حمل شایع آلت قمار است.

شطرنج به حمل اولی شطرنج است و به حمل شایع آلت قمار، نرد به حمل اولی نرد است و به حمل شایع آلت قمار است. یعنی در عرف این را مصداق برای قمار قرار داده‌اند. بنابراین محقق خوئی(ره) میفرماید اگر با يك چیزی در بعض زمانها مقارنه کنند اینها داخل در بحث نیست، «کالجوز و البیض» مثل گردو و تخم مرغ. اگر با گردو مقارنه می‌کنند، گردو به حمل شایع عنوان آلت قمار را ندارد، لذا می‌فرماید این از محل بحث خارج است.

نقد استاد بر فرمایش محقق خوئی(ره)

این فرمایش ایشان در حالی است که ما وقتی عبارات فقهاء را ببینیم اولاً اکثراً میگویند «آلات القمار». ثانیاً بعضی تعبیر می‌کنند به «ما اعدّ للقمار». ثالثاً بعضی مثل آنچه که در کتاب نهایة بود، بعد از این که شطرنج و نرد را مثال زده فرموده «و سایر

انواع القمار حتی لعب الصبيان بالجوز» ، فرض کنید در زمان ما تيله که بچه‌ها بازی می‌کنند. با تصریح بعضی از فقهاء به اینکه لعب صبيان به جواز هم از مصادیق قمار است و حکم آلات قمار را دارد، این فرمایش مرحوم آقای خوئی(ره) قابل مناقشه است. یعنی ما می‌خواهیم بگوییم هر چیزی بعنوان آلت قمار قرار داده شد می‌خواهد در عرف معدّ برای آلت قمار باشد یا لم يعدّ ، حرام است. فرض کنید الان کسی گردو را بخرد برای اینکه با آن قمار کند، اینجا هم باید بگوییم این معامله حرام است، هم حرمت تکلیفی و هم وضعی دارد.

فرمایش دیگری از مرحوم خوئی(ره)

نکته‌ای که در فرمایش مرحوم آقای خوئی(ره) است این است که ایشان می‌فرمایند در آلاتی که معدّ برای قمار است مثل شطرنج – بر فرض این که در زمان ما معدّ برای قمار باشد – اتلافش واجب است و باید آن را از بین برد و تصرف در او نیازی به اذن مالکش ندارد، برای اینکه شارع اذن داده است که چنین چیزی را باید اتلاف کنید، ایشان می‌فرمایند اتلاف جواز و بیض جایز نیست، بلکه اگر دو نفر با گردو قمار بازی می‌کنند حق ندارید گردوی آنها را از بین ببرید و اتلاف کنید، بلکه فقط از باب نهی از منکر اینها را از قمار نهی کنید، اما حق ندارید اتلاف کنید.

نقد استاد بر محقق خوئی(ره)

اینجا به نظر ما مقداری خلط شده است. ما قبول داریم که اتلاف گردو جایز نیست، ولی ملازمه‌ای وجود ندارد که اگر اتلاف چیزی جایز نشد بگوییم معامله روی آن جایز است و بگوییم محل بحث فقط در آلات معدّه برای قمار است. بحث ما الان این است که در شریعت چه معامله‌ای حلال و چه معامله‌ای حرام است و یکی از معاملات حرام؛ معامله روی آلات قمار است، فرقی نمی‌کند که آلت اعدّ للقمار یا اینکه عرفاً از آلات قمار نباشد.

البته باید ادله را بررسی کنیم که آیا فقط خصوص آلات معدّه را می‌گوید یا اعم از معدّه و غیر معدّه است. امّا اشکال ما به مرحوم آقای خوئی(ره) این است که عدم جواز اتلاف، ملازمه‌ای با جواز معامله ندارد. بحث ما الان در جواز و صحت این معامله است، که آیا معامله حلال است یا حرام است. بلکه، در آلتی که محضه للقمار، اتلاف را واجب می‌دانیم، ولی این جواز و وجوب اتلاف يك موضوع دیگری دارد، اما بحث ما الان در بیع است. در کتاب نه‌ایه تصریح می‌کند «حتی لعب الصبيان بالجوز» تجارت در آنها و تکسب به آنها حرام است. پس بنابراین این فرمایش ایشان درست نیست تا بعداً ببینیم روایات چه دلالتی دارند.

روایات مورد استناد در مسأله

تا حالا ما اظهار نظر نکردیم که آیا حرمت معامله روی آلات قمار، فقط آلتی است که عرفاً معدّ برای اینکار است مثل نرد و شطرنج، یا اعم از این است، تا ببینیم روایات چه دلالتی دارد؟

اولین روایت که در تفسیر علی بن ابراهیم قمی عن ابی الجارود عن ابی جعفر(ع) فی تفسیر قوله تعالی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ»، آیه سوم سوره مائده است.

بررسی سند روایت و اشکال سندی روایت

البته ابی الجارود همان زیاد بن منذر است و زیاد بن منذر را رجالین تضعیف کرده‌اند، مگر اینکه کسی اسناد کامل زیارات را از باب توثیق عام بپذیرد، این نیز در اسناد کامل زیارات واقع شده است. البته این روایت غیر از اشکالی که راجع به ابی الجارود هست، بین خود علی بن ابراهیم قمی و ابی الجارود وسایطی موجود است که آن وسایط هم محذوف است و برای ما مجهول است. پس بالاخره سند این روایت اشکال دارد چون اگر ابی الجارود را هم توثیق کنیم، بین علی بن ابراهیم قمی و ابی الجارود وسایط مجهول متعدد محذوف است.

بررسی دلالت روایت

در تفسیر این آیه فرموده «اما الخمر فكل مسكر من الشراب» خمر هر مسکری که از شراب خمر است، «و اما الميسر فالنرد و الشطرنج» و میسر؛ نرد و شطرنج است «و كل قمار ميسر» هر قماری میسر است «و اما الانصاب فالاوئان التي كان يعبدوها المشركون» ، انصاب چیست؟ بت‌هایی که مشرکین آنها را می‌پرستیدند «و اما الازلام فالاقداح التي كانت تستقسم بها»، همان استقسام به ازلام که این هم خودش يك نوع قمار است که در جاهلیت معروف بوده است.

بعد در ادامه می‌گوید «كل هذا بيعه و شرائه و الانتفاع بشي من هذا حرام من الله» بیع و شراء و انتفاع به همه اینها حرام است. ما بر خلاف نظر برخی از بزرگان که فرمودند حرمت در امور معاملی ظهور در وضعی دارد، ما گفتیم نه، ظهور در تکلیفی دارد، وضعی را هم از آن به ملازمه عرفیه استفاده می‌کنیم. وقتی بیع و شرائش حرام باشد معامله روی اینها حرام است. پس این يك روایت است که می‌فرماید بیع خمر و انصاب و ازلام حرام است، اما عرض کردم که این روایت اشکال سندی دارد.

و صلى الله على سيدنا محمد و آله اجمعين.